



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۱۸/۱۰/۰۷

داکتر حیدر عدل

## تغییر ستراتیژی امریکا در قبال آینده افغانستان!

سال قبل آقای ترمپ با نهایت اطمینان دکترین نظامی خود را به کمک مشاورین ارشد پنتاگون در مورد محار نمودن جنگ افغانستان با گروه های مخالف مسلح از جمله طالبان و داعش طرح و به اجرا گذاشتند. آقای ترامپ بار ها در طول این مدت ، در مورد این ستراتیژی با رضایت تمام یاد نموده و بیان داشته است که ما در برابر مخالفین دولت افغانستان از جمله طالب و داعش موفق هستیم و جنگ را برده ایم. اما عملاً وضعیت جنگی و نظامی در سراسر کشور بر عکس مسله را نشان میدهد. بخصوص زمانیکه روزنامه معروف امریکایی نیویارک تایمز در گزارشی که در ۲۱ سپتمبر سال روان این امار را نشر کرده که به صورت میانگین روزانه حداقل بین ۳۰ تا ۴۰ تن از نیرو های امنیتی در نبرد با طالبان جان میبازند. بر بنیاد این گزارش نیویارک تایمز ، بعد از هفده سال جنگ ، امریکا و ناتو با متحدین شان در افغانستان، باز هم گروه طالبان از قدرت بیشتری برخوردار است. زیرا این گروه مناطق بیشتری را نیز تحت کنترل گرفته و هم چنان تلفات نیروهای امنیتی نیز به سطح بالایی رسیده است. بر اساس یک گزارش دیگر که از سوی روزنامه نیورک تایمز منتشر شده، شمار تلفات نیروهای امنیتی افغانستان در جنگ با طالبان در مقایسه با دو سال قبل، تقریباً دو برابر شده است. طارق شاه بهرامی، وزیر دفاع افغانستان چند روز قبل مجبور گردید تا رسماً اعلام نماید که این ارقام دقیق است و علاوه بر این تلفات روزانه ، در هفته اخیر نیز بیش از ۵۰۰ تن از نیروهای اردوی ملی در جنگ با طالبان کشته و بیش از ۷۰۰ دیگر زخمی شده‌اند.

اما با پر رویی تمام ظاهراً بمنظور ارتقاع روحیه رزمی بین صاحب منصبان و عساکر ، وی در ادامه صحبت های خود تذکر داد که با وجود این رقم بالایی از تلفات ، باز هم مراجعه مردم بخاطر پیوستن افراد ملکی به ارگانهای نظامی پایین نیامده است.

بن بست نظامی که در افغانستان شکل گرفته است، برای حوزه ضد طالبان بسیار دردناک است. نیروهای امنیتی افغان از مناطقی سربازگیری میکنند که گروه طالبان و داعش در آن نفوذ ندارند. آن مناطق حداقل مشروعیت دولت را قبول دارند و به همین دلیل است که جوانان آنان در نیرو های امنیتی خدمت میکنند.

استخدام در نیروهای امنیتی و دریافت معاش انهم بخور نمیر یک رخ واقعیت است. خانواده های آنان خدمت زیر بیرق افغانستان را امر نامشروع نمیدانند. برای آنان جنگ طالبان نامشروع است. ولی دولتمردان ما این فداکاری های آنها را درک نمی نمایند.

هرگاه به گزارش مرکز خبرنگاری تحقیقی «پیک» که روز چهارشنبه مورخ ۲۶ سپتمبر سال روان نشر گردید دقت نمایم ، دیده میشود که عمق خیانت در سطح رهبری قوای مسلح در راس وزارت دفاع کشور تا چه حد است.

درین گزارش آمده است که میلیون ها افغانی تحت نام معاش ماهوار سربازان و افسران اردوی ملی کشور در کابل بانک نو، حیف و میل شده است این مرکز خبرنگاری تحقیقی نوشته است که از هر ده حساب بانکی افسران و سربازان وزارت دفاع ملی، یکی آن خیالی است.

بر اساس گزارش پیک، ماهانه از طریق یکصد حساب بانکی جعلی به نامهای خیالی افسران و سربازان اردوی ملی، حدود چهل میلیون افغانی توسط مسئولان مالی وزارت دفاع ملی با همکاری برخی از مسئولان کابل بانک نو اختلاس می‌شود.

درین گزارش همچنان آمده است که، از سال ۱۳۹۱ تاکنون، میلیون ها افغانی از این حسابها بیرون شده و به جیب افراد نامشخص رفته است) این مرکز خبرنگاری تحقیقی در بخشی از گزارش خود نوشته است که شش میلیون افغانی از حسابهای معاش ماهوار شماری از افسران فرقه ۱۱۱ وزارت دفاع ملی، توسط خزانه‌دار این فرقه، بیرون و حیف و میل شده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

پیک ماه گذشته نیز اسنادی از اختلاس ماهانه دست‌کم چهل میلیون افغانی معاش ماهوار افسران و سربازان مربوط به وزارت داخله کشور را منتشر کرده بود. این مقدار پول از طریق ۱۸ حساب بانکی به نام یک شخص و ۲۵۰ حساب خیالی دیگر در کابل‌بانک، حیفا و میل شده بود.

رنج بن بست نظامی را خانواده های صاحب منصبان و سربازان جان باخته بیشتر حس میکنند. وقتی عزیزان این خانواده ها از دست میروند ، رنج بی پایان به آنان تحمیل میشود.

اما رهبری این ارگانهای امنیتی در برابر این رنج ها و فداکاری ها باز هم مصروف زدوبند های پولی در تبتانی با مافیای دولتی و غیر دولتی حقوق حقه این سربازان را حیفا و میل مینمایند.

برای ساکنان شهر های بزرگ افغانستان هم تحمل بن بست بسیار رنج اور است. زیرا طالبان و داعش توانایی حمله های انتحاری به شهر های بزرگ از جمله پایتخت را دارند. حمله های انتحاری طالبان به هدف ارباب ساکنان شهر ها ، قدرت نمایی و مشروعیت زدایی از نهاد های امنیتی راه اندازی میشود. حمله های انتحاری بر شهر ها سبب شده است که ساکنان شهر ها زنده ماندن را يك اتفاق بدانند و هر لحظه نگران جان شان باشند.

همزمان با تغییر استراتژی امریکا ، طالبان نیز تکتیک جنگی خود را تغییر داده و اینبار تلاش نمودند تا با راه اندازی حمله های جدید چریکی برق اسا با وسایل پیشرفته نظامی که در اختیار دارند و در عملیات های شبانه کارایی بیشتر دارد ، تلفات سنگینی را به نیروهای امنیتی وارد نموده، اسلحه و مهمات بدست بیاورند و میخوانند حضور نیرومند در رسانه داشته باشند.

هدف طالبان از سقوط و تسخیر موقتی بعضی از ولایات همین است.

زمانیکه امریکایی ها دریافته اند که ان دوکتورین نظامی آقای ترامپ ازین بیشتر در جنگ با طالبان موثریت ندارد، درین روز ها باز هم حرف از تغییر استراتژی جدید جنگی در برابر مخالفین دولت افغانستان بلند است. طوریکه وزیر دفاع امریکا با اشاره به این که هنوز هم رویکرد طالبان در افغانستان بر ادامه جنگ استوار است، اعلام کرد که امریکا یک شیوه تازه جنگی در برابر این گروه استفاده خواهد کرد.

جیمز متیس در تازه ترین اظهارات خود گفته از یک شیوه تازه جنگی در برابر طالبان کار گرفته خواهد شد و حضور نظامی امریکا در مناطق زیر تهدید افزایش خواهد یافت.

وی گفته که این شیوه تازه جنگی منجر به کاهش تلفات نظامیان افغانستان خواهد شد.

وزیر دفاع امریکا از دادن جزئیات برنامه جدیدش خودداری کرده، اما گفته که بر بنیاد این برنامه، امکانات لازم در اختیار نظامیان افغان قرار خواهد گرفت تا در ساحات زیر تهدید بلند با طالبان بجنگند.

از جانب دیگر با وجود آخرین اعتراف های صریح ترامپ از جنایات اسلاف اش؟!... زیر نام هزینه ۷ تریلیون دالر بخاطر کشتن ملیونها انسان بی گناه وبی دفاع؟!.. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا بدترین اشتباه؟! کشور خود در تمام طول تاریخ را ذکر کرد.

ترامپ در مصاحبه با نشریه **the hill** گفت: این بدترین اشتباه ، اعزام نیرو های مسلح امریکا به خاور میانه از سوی جرج دبلیو بوش ، رئیس جمهور وقت بوده است.

ترامپ در توضیح اظهار داشت ، آمریکا 7 تریلیون دالر برای عملیات خود در خاور میانه خرج کرد و تعداد تلفات در درگیری ها در مجموع میلیون ها نفر بود.

نشریه **the hill** خاطر نشان میسازد، طبق ارزیابی وزارت دفاع امریکا مخارج عملیات جنگی این کشور در عراق ، افغانستان و سوریه از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۵۲.۱ هزار میلیارد دالر برآورد شده است. اما دانشگاه براون رقم درشت ۶.۵ هزار میلیارد دالر مخارج را تا سپتمبر ۲۰۱۷ ذکر میکند. آقای ترامپ در ادامه یادآور میشود که، جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت امریکا در اکتبر سال 2001 دستور ورود نیروهای مسلح ایالات متحده به افغانستان را صادر کرد که طبق داده های سازمان اطلاعات امریکا اوسامه بن لادن، سرکرده القاعده در آنجا پنهان شده بود. دو سال بعد ارتش امریکا با هدف سرنگونی صدام حسین به عراق حمله کرد.

با وجود این همه تجاوزات ، آقای ترامپ درین روز ها با انتقاد از عملکرد های غلط اسلاف خود، باز هم نمیخواهد بگوید که ادامه حضور ما در افغانستان و دیگر کشور ها نیز اشتباه و غیر قانونی است و هرچه زودتر باید ازین کشور ها خارج شویم. وی اما برعکس هر روز از دوکتورین و یا تغییر استراتژی های جدید امریکا در افغانستان حرف میزند و به ادامه حضور خود تاکید دارد.

این در حالی است که برخی رسانه های امریکایی از قول مقام های نظامی این کشور گزارش داده اند که برای نخستین بار ۴۰۰ سرباز واحد گارد ملی این کشور در زمستان پیش رو برای یک مأموریت غیر رزمی وارد افغانستان خواهند شد.

گارد ملی امریکا به قطعه سرخ مشهور است که در جنگ های جهانی اول و جنگ عراق حضور داشته و این نخستین مأموریت آن ها در افغانستان خواهد بود.

اینکه حضور نظامی امریکا در افغانستان و منطقه با وجود تغییرات متواتر و ناسنجیده در استراتژی های نظامی و سیاسی خود کار امد است یانه ، حتی رهبران کشور های متحد امریکا مانند مالزی در نیویارک گفتند ، "سبک دیپلوماسی

ترامپ در اسيا خيلي خوب كار نميکند و كار امد نيست. ترامپ تغيير رفتار هاي مکرر دارد. کنش با کسانیکه باثبات نيستند يك مساله بزرگ است ."

اينکه امريکا چرا نميخواهد از افغانستان خارج شود ، اقاي ترامپ به صراحت بيان داشت که ، علاقه امريکا در افغانستان صرف منابع سرشار طبيعي انست جمع موقعيت استراتژيک ان در منطقه. پس ما به اين نتيجه ميرسيم که انها ديگر از افغانستان خارج نميشوند تا بزور کشيده نشوند. ولي شرايط حضور انها در کشور دگرگون ميشود. و اين دگرگوني مسايل کاملاً جديدي را در مناسبات امريکا با همه کشور هاي منطقه و از جمله افغانستان باز خواهد کرد. ولي از مناسبات بغرنج و پيچيده امريکا با روسيه چنين بر مي آيد که ، اين انکشافات در تفاهم با روسيه صورت نخواهد گرفت. زيرا درين اواخر ما شاهد مسافرت هاي بيشمار و جدي مقامات بلند پايه امريکا به کشور هاي هند، پاکستان و افغانستان بوديم.

وزير دفاع امريکا در کابل خواستار صلح دايمي با طالبان و پاکستان گرديد و انطرف وزير خارجه امريکا با لوي درستيز قواي مسلح ان که اقاي خليلزاد نيز درين سفر انها را همرايي ميکرد . اين عاليترين بازديد هيات امريکايي از پاکستان در سالهاي اخير بود. سي ان ان بيان داشت که اقاي پمپو وظيفه دارد تا مناسبات با پاکستان را دوباره عادي سازد. همزمان اقاي خليلزاد بعد از اين سفر در صحبت هاي اخير خود در کابل به صراحت بيان داشت که پاکستان قابل کنترل است. از اين طرز صحبت اقاي خليلزاد چنين برمي آيد که امريکا اسناد معتبري در دست دارد تا به واسطه انها پاکستان را مهار کند. از جمله به تعليق درآوردن کمک هاي مالي ان کشور به پاکستان.

اما خبرهايکه بعد از اين ملاقات ها در رسانه هاي پاکستان درز نمود ميرساند که ، مقامات پاکستان اين فشار ها را بها نداده و با سردي از هيات امريکايي استقبال نمودند. و تاکيد پاکستاني ها درين ملاقات ها بيشتر بالاي منافع ملي پاکستان ميچرخيد. بر عکس کشور ما که اصلاً حرفي در مورد منافع ملي درين هفته سال از جانب رهبران دولتي ما مطرح نبوده است.

پس امريکا بايد درين مذاکرات خود امتيازاتي به جانب پاکستان داده باشد تا در مقابل ، پاکستان نيز براي خواست امريکا چراغ سبز نشان دهد. از جمله دادن امتياز پروژه تاپي به پاکستان.

زيرا همين هيات بعدا به هند سفر نمودند تا هندي ها را قناعت بدهند که با پاکستاني ها از در صلح پيش آمده و شامل پروژه تاپي از طريق پاکستان گردند.

اينکه رژيم اخوندي ايران در برابر اين همه تصاميم خاموش خواهند بود. و يا اينکه به تحريک طالبان هرچه قويتر پرداخته تا نگذارد که امريکايي ها درين پروژه ها موفق ايند.

ازينجاست که تصميم به بيطرف سازي افغانستان گرفته شده و اولين اقدام نيز سرو صداي پيمان امنيتي افغانستان با امريکا ميباشد که بايد تجديد نظر در ان صورت گيرد.

به همين دليل و با اشاره امريکا اين صدا در ابتدا از حلقوم موافقين درجه اول امضا اين پيمان يعني اقاي مجددي و اقاي اتمر بيرون شد و متعاقب ان در سنا و پارلمان کشور طوطي وار نيز با راي اکثريت مطلق اين بازنگري به تصويب رسيد.

اين تلاش ها همه و همه بخاطر منافع کمپني هاي بزرگ امريکا در منطقه ميباشد و عملي شدن اين پروژه ها وابسته به عادي سازي روابط امريکا با پاکستان است.

جانب افغاني صرف با بودن در قدرت و غصب زمين ها و مالکيت هاي شخصي مردم جمع تقسيم مفاد ناچيز از دستبرد هاي امريکا در کشور توقع بيشتري ندارند.

در حالیکه رهبران دولت ميتوانند با استفاده از اين فرصت هاي پيش آمده ، غرض ارتقاع سطح زنده گي مردم ، خواسته هاي معيني را در برابر امريکايي ها قرار دهند و از ان بهره ببرند.

اينست دليل تغيير سياست امريکا در افغانستان/

لندن اکتوبر ۲۰۱۸